

ذبح و شکار، از منظر حقوق حیوانات در فقه شیعه

دکتر سیدمحمدجواد وزیری‌فرد / عضو هیئت علمی دانشگاه قم
احمد اولیایی / کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

در اسلام، ذبح و شکار برخی حیوانات و با شرایطی خاص جایز است؛ اما اینکه ذبح و شکار حیوان به‌ظاهر حقوق حیوانات را از بین می‌برد، باعث شده است برخی اسلام را ناقض حقوق حیوانات بدانند؛ در حالی که اسلام نه تنها ناقض حقوق حیوانات نیست، بلکه توصیه‌ها و دستورهایی که فقه شیعه در این زمینه دارد، حقوق حیوانات را بیش از پیش اثبات می‌کند.

در این مقاله با توجه به ادله قطعی و آیات و روایاتی که خواهد آمد، جواز ذبح و شکار اثبات می‌شود؛ و در کنار آن، روش و چگونگی ذبح و صید حیوان به‌گونه‌ای که مؤید حقوق حیوانات است، بیان خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: حقوق حیوانات، فقه شیعه، حق حیات حیوان، ذبح، صید و شکار.

مقدمه

انسان از ابتدای پیدایش، بنا بر غرایز خود، برای حفظ بقا و رفع نیازهای خویش به هر طریقی، به تلاش پرداخت.

یکی از این نیازها، تهیه غذا برای رفع گرسنگی بود. او پس از شناخت موجودی به نام حیوان، فهمید که نه تنها از گوشت آن برای سیر کردن خود، بلکه از پوست و پشم آن نیز برای پوشش خویش می‌تواند بهره‌برداری کند. چنین بود که کشتن حیوانات آغاز شد.

همان‌گونه که پس از گذشت زمان و تشکیل زندگی اجتماعی انسان‌ها و ایجاد روابط متقابل بین آنها، بشر به فکر بحث و گفت‌وگو پیرامون حقوق انسان‌ها افتاد و انواع ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها را درباره انسان نقض حقوق بشر نامید، کم‌کم حقوق حیوانات را نیز کانون توجه خود قرار داد و قوانینی در این باب وضع کرد. در قرآن کریم نیز خداوند اصل استفاده انسان از مخلوقات دیگر را به این بیان مجاز می‌شمرد:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (جاثیه، ۱۳)

«و او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همه را از سوی خود مسخر شما ساخته است. در این نشانه‌های مهمی است برای کسانی که اهل فکرند». از جمله مخلوقاتی که برای آرامش و حیات انسان خلق شده‌اند حیوانات‌اند. خداوند می‌فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (غافر، ۷۹)

«خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا برخی را سوار شوید، و از برخی تغذیه کنید».

اما نگرش غلط و گاه مغرضانه به منابع اسلامی باعث شده است برخی تصور کنند که اسلام هیچ‌گونه حقوقی را برای حیوانات قایل نشده است و هرگونه بهره‌برداری از آنان را اجازه می‌دهد. ایشان حتی به ذبح شرعی نیز ایراد می‌گیرند و می‌گویند: حیوان در این نوع کشتار زجر می‌بیند.

این درحالی است که فقه شیعه، افزون بر اینکه هرگونه بهره‌برداری را از حیوانات جایز نمی‌داند، بیش از هر قانون‌گذار دیگری حقوقی را برای حیوانات تعریف کرده است و در ذبح و شکار نیز که به‌ظاهر حق حیات حیوانات را نقض می‌کند، توصیه‌ها و دستورهایی در حفظ حقوق آنها دارد.

تعریف حق

در لغت

در لغت، معانی متعددی برای حق ذکر شده است: از جمله، درست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین کردن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت، و نامی از نام‌های خداوند. (دهخدا، ج ۶، ص ۹۱۴۲، ذیل واژه حق)

المنجد نیز معانی حق را چنین بیان کرده است؛

ضد باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، جزم، سزاوار. (معلوف، ۱۳۷۸، ج ۱، ذیل واژه حق)

حق، مصدر است و معنای وجوب و ثبوت دارد و معمولاً به معنای وصفی یعنی واجب و ثابت به کار می‌رود. «حق الامر»، یعنی آن امر واجب و ثابت شد؛ و «حق لک و یحق لک و حق علیک ان تفعله»، یعنی انجام آن فعل بر تو واجب گردید. (وجدی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۴۶۵)

طبرسی می‌گوید:

«الحق وقوع الشيء فی موضعه الذی هو له، فاذا اعتقد شیء بضرورة او حجة فهو حق؛ لأنه وقع موقعه الذی هو له وعكسه الباطل». (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۲۰)، یعنی حق عبارت است از وقوع شیء در جایگاه خودش. هرگاه به سبب هدایت یا برهان، اعتقاد به چیزی پیدا شود، حق است؛ چراکه در جایگاه خود واقع شده. و ضد آن، باطل است.

در اصطلاح

حق، نزد فقها و عالمان حقوق، به دو معنا آمده است: گاهی در مقابل حکم، و گاهی اعم از آن.

در معنای اول، هم سلطه لحاظ شده و هم قابل اسقاط و نقل و انتقال است. میرزای نائینی در تعریف حق می‌نویسد: «حق عبارت است از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت». (نائینی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶)

و گفته شده است: «حق، نوعی سلطنت بر چیزی است که گاه به عین تعلق می‌گیرد؛ مانند: حق تحجیر، حق رهن و حق غرما در ترکه میت؛ و گاهی به غیر عین تعلق می‌گیرد؛ مانند حق خیار متعلق به عقد. گاهی سلطنت، متعلق بر شخص است؛ مانند حق حضانت و حق قصاص. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۵۴)

همچنین آمده است: «حق عبارت است از قدرت یک فرد انسانی مطابق با قانون بر انسان دیگر، یا بر یک مال و یا بر هر دو؛ اعم از این که مال مذکور مادی و محسوس باشد، مانند خانه یا نباشد، مانند طلب». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱، ص ۱۵)

شیخ انصاری رحمته الله علیه می‌فرماید: «حق، عبارت است از نحوه‌ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن، صاحب حق می‌تواند مصلحتی را برای خود به‌دست آورد». (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۰)

آخوند خراسانی رحمته الله علیه می‌گوید: «حق، اعتباری خاص و اضافه‌ای ویژه است که از حکمی وضعی یا تکلیفی و منشأ دیگر، انتزاع می‌شود؛ نظیر حق تصرف و بهره‌برداری از ملک، که از ملکیت انتزاع می‌شود؛ و حق المارّه (حق رهگذر) که از اباحه خوردن میوه‌های باغی که از کنار آن عبور می‌کنند، مستفاد می‌گردد». (آخوند خراسانی، ۱۴۱۰، ص ۲۲۴)

آیت‌الله خوئی رحمته الله علیه بر این اعتقاد بودند که ملکیت عبارت است از قدرت و سلطنت عام؛ ولی حق، سلطنتی است خاص. (خوئی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۶)

دکتر ناصر کاتوزیان نیز معتقد است: «حق، امتیاز و نفعی است که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می‌کند و به او نوعی تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد». (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۷۴)

یا «سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به‌منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد». (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱)

تفاوت حق در انسان‌ها و حیوانات

آیا حقوق در حیوانات، مانند حقوق در انسان‌هاست یا آن دو تفاوت ماهوی یا مصداقی باهم دارند؟ آنچه می‌توان به‌عنوان تفاوت اصلی این دو بیان کرد، قابل اسقاط بودن از جانب صاحب حق است. انسان به‌عنوان صاحب حق می‌تواند حق خود را اسقاط کند؛ اما حیوانات این قدرت را ندارند. در نتیجه، همین عدم قدرت اسقاط، این حق را تبدیل به حکم کرده، قدرت اجرایی آن را بیشتر خواهد کرد؛ و فقط با اتیان و انجامش می‌توان از عهده آن خارج شد.

پس هیچ انسانی نمی‌تواند ادعا کند که حیوانی حق خود را اسقاط کرده و او بر همین اساس با آن حیوان چنین کرده است؛ چراکه حقوق حیوانات، قابل اسقاط نیست.

مبانی حقوق در حیوانات

۱. ذی شعور بودن حیوانات

آیات و روایات بسیاری، بر شعور و فهم موجودات و جهان هستی دلالت دارند؛ هرچند ما انسان‌ها به دلایل مختلف قادر به درک کامل آن نیستیم؛ چراکه بر اثر گناه‌ها و عوامل دیگر، پرده غفلت چشمان ما را پوشانده است و اجازه نمی‌دهد آنچه را در جهان هستی اتفاق می‌افتد، ببینیم.

آیاتی که از تسبیح همه موجودات سخن می‌گویند، بر همین مطلب دلالت دارند؛ چراکه تسبیح شیء، دال بر درک و شعور اوست:

﴿تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَأَنْفَقَهُنَّ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ (اسراء، ۴۴)

«آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می‌گویند؛ و هر موجودی تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. او حلیم و آمرزنده است.»

﴿لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَّاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ (نور، ۴۱)

«آیا ندیدی که برای خدا تسبیح می‌کنند، تمام آنان که در آسمان‌ها و زمین‌اند و همچنین پرندگان، هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند؟ هریک از آنها نماز و تسبیح خود را می‌دانند؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهند، عالم است.»

﴿لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ (حج، ۱۸)

«آیا ندانستی خداست که هرکس در آسمان‌ها و هرکس در زمین است و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند؟ و بسیاری‌اند که عذاب بر آنان واجب شده است و هرکه را خدا خوار کند، او را گرمی‌دارنده‌ای نیست؛ چراکه خدا هرچه بخواهد، انجام می‌دهد.» حیوانات نیز از این عمومیت مستثنا نیستند و در حال تسبیح پروردگار خویش‌اند و در نتیجه، درک و شعور دارند.

در ادامه روایات متعددی که به درک و شعور حیوانات اشاره دارند، خواهد آمد.

أبی‌عبدالله علیه السلام می‌فرماید:

«مهما أبهم على البهائم من شيء فلا يبهم عليها أربعة خصال: معرفة أن لها خالقاً ومعرفة طلب الرزق ومعرفة الذكر من الانثى ومخافة الموت»؛ (عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ح ۱۵۳۱۵)

(هنگامی که خداوند حیوانات را آفرید، شعور انسانی را به آنها عطا نکرد؛ ولی چهار خصلت را به آنها عنایت فرمود: شناخت به اینکه برای آنها خالق است؛ آگاهی به اینکه دنبال رزق و روزی برود؛ شناخت نر از ماده؛ و ترس از مرگ.

این معرفت که در روایت آمده، ناظر به همان درک و شناخت و شعوری است که مطلوب ماست. قریب به همین مضمون، در روایت علی‌بن‌رثاب از ابی‌حمزه از امام سجاد علیه السلام (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۴۷) نقل شده است. در ادامه باتوجه به این روایت، به شرح و ذکر مصادیقی از درک حیوانات می‌پردازیم:

۱. معرفت به خداوند

همان‌گونه که روایت قبل، معرفت به خالق را نخستین معرفت معرفی کرد، روایت امام سجاد علیه السلام نیز ابتدا معرفت حیوان به پروردگار خویش را بیان می‌دارد:

«معرفتها بالرب تبارک و تعالی»؛ (صدوق، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۸۸)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: همه حیوانات در هر صبحگاهی از خداوند می‌خواهند:

«اللهم ارزقنی ملیک صدق یشبعنی ویسقینی ولایکلفنی ما لأطیق»؛ (همان، ص ۲۸۹)

بارها! به من مالک خوب و درستی عطا فرما که مرا سیر و سیراب نماید و بیش از توان از من کار نکشد.

اینکه حیوانات خدای خویش را خطاب قرار می‌دهند و از او طلب رزق و روزی می‌خواهند، نشان از معرفت آنها به خداوند و رب خویش دارد.

آیاتی نیز که در ابتدا درباره تسبیح موجودات ذکر شد، شاهد بر معرفت حیوانات به خداوندند. در برخی از روایات که بعد خواهد آمد، همین تسبیح خدا دلیل نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از زدن حیوان است. البته برخی از مفسران، تسبیح حیوانات را به تسبیح تکوینی آنها تفسیر کرده‌اند؛ به این معنا که خلقت آنها نشانه‌ای از تنزیه و تقدیس الهی است که در غایت کمال بوده و مانند مخلوقات خود، نقص ندارد. (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۵۱۷)

۲-۱. معرفت به نیکی و بدی و مسائل ماورایی

همان‌گونه که انسان مسائل ماورایی و غیرمادی را می‌فهمد و به آنها واکنش نشان می‌دهد، حیوانات نیز چنین فهمی دارند، حیوانات، رفتار صاحبشان و یا هر انسانی را با خودشان درک می‌کنند و متناسب با خوبی یا بدی آن رفتار، واکنش نشان می‌دهند. از همین روی، در روایت یاد شده (صدوق، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۸۹) از خداوند صاحبی را می‌طلبد که با آنها خوش‌رفتار باشد.

حیوانات، همان‌گونه که اخلاقیات را می‌فهمند، مسائل غیرمادی و ماورایی را نیز درک می‌کنند.

از جمله مواردی که بر درک مسائل غیرمادی حیوانات دلالت می‌کند، آگاهی آنها بر مرگ است؛ چنان که در روایت امام سجاد علیه السلام آمده است: «معرفتها بالموت»؛ (همان)

آنها می‌دانند که معاد و آخرت و مرگی هست؛ هرچند با توجه به فرمایش امام صادق علیه السلام آگاهی آنها بمانند معرفت انسان‌ها به مرگ نیست: «لو عرفت البهائم من الموت ما تعرفون ما أكلتم منها سميناً قط»؛ (همان) اگر آگاهی حیوان از مرگ، همانند آگاهی شما انسان‌ها می‌بود، هیچ‌یک از آنها هرگز چاق و فربه نمی‌شدند.

شیخ صدوق در ذیل این روایت، تعارض ظاهری میان این روایت و روایت اول را رفع می‌کند و می‌گوید: مراد این است که آگاهی آنها به اندازه آگاهی شما نیست. حیوانات، افزون بر اطلاع از مرگ، مسائلی را می‌بینند که انسان‌ها توانایی دیدن آنها را ندارند. (عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۴۸۰، ح ۷) همین امر، در برخی روایات، به‌عنوان علت راه نرفتن حیوانات و سر باز زدن آنها از حرکت ذکر شده است.

۲-۱-۱. حشر حیوانات و تکامل آنها در آخرت

اگر قایل شویم که حیوانات نیز مانند انسان‌ها محسوس می‌شوند، باید لوازم آن را نیز بپذیریم. یکی از لازمه‌های حشر، داشتن ادراک و شعور، و تشخیص خیر و شر است. قرآن در دو آیه، حشر حیوانات را بیان می‌کند:

﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ (تکویر، ۵)

«و در آن هنگام که وحوش جمع شوند».

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ (أنعام، ۳۸)

«هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست؛ مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ‌چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم. سپس همگی به‌سوی پروردگارشان محسوس می‌شوند».

مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله می‌نویسد:

«تفکر عمیق در اطوار زندگی حیوانی که ما در بسیاری از شئون حیاتی خود با آنها سروکار داریم، و در نظر گرفتن حالات مختلفی که هر نوع از انواع این حیوانات در مسیر زندگی به خود می‌گیرند، ما را به این نکته واقف می‌سازد که حیوانات هم مانند انسان، دارای عقاید و آرای فردی و اجتماعی هستند. حرکات و سکناتی که آنها در راه بقا و جلوگیری از نابود شدن نشان می‌دهند، همه بر مبنای آن عقاید است. در اجتماعات حیوانی هم مانند اجتماعات بشری، فطرتاً ماده و استعداد پذیرفتن «دین الهی» وجود دارد. همان فطرتی که در بشر سرچشمه دین الهی است و وی را برای حشر و بازگشت به سوی خدا قابل و مستعد می‌سازد، در حیوانات نیز هست.» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۱۰۳)

در روایات اسلامی نیز احادیث متعددی در زمینه رستاخیز حیوانات دیده می‌شود:

از جمله در تفسیر المنار روایتی از طریق اهل سنت نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه مورد بحث فرمودند:

«ان الله يحشر هذه الامم يوم القيامة ويقتص من بعضها لبعض، حتى يقتص للجماء من القرناء»؛ (رشید رضا، ۱۳۶۶ق، ذیل آیه ۳۸ انعام)

خداوند تمام این جنبندها را در روز قیامت برمی‌انگیزاند و قصاص بعضی را از بعضی می‌گیرد. حتی قصاص حیوانی را که شاخ نداشته و دیگری بی‌جهت به او شاخ زده است، از اولی خواهد گرفت.

همچنین در روایت دیگری آمده است:

«روی عن أبي ذر قال: بينا أنا عند رسول الله صلي الله عليه وآله إذ انتطحت عنزان، فقال رسول الله صلي الله عليه وآله: أتدرون فيما انتطحتا؟ فقالوا: لا ندري، قال: ولكن الله يدري وسيقضى بينهما»؛ (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۰)

از ابوذر رضی الله عنه نقل شده است که گفت: ما خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که در پیش روی ما، دو بز به یکدیگر شاخ زدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: می‌دانید چرا اینها به یکدیگر شاخ زدند؟ حاضران عرض کردند: نه. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اما خدا می‌داند و به زودی در میان آنها داوری خواهد کرد.

حیوانات، رفتار خوب و بد را با هم نوع خود نیز درک می‌کنند و به رفتاری که با حیوانات دیگر می‌شود واکنش نشان می‌دهند؛ و شاید علت اینکه برخی ذبح حیوان در مقابل حیوان دیگر را مکروه (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۷) و حتی بعضی حرام (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۳۵) دانسته‌اند، همین امر باشد، که البته تفصیل آن خواهد آمد.

۳-۱. تشخیص جنسیت

امام سجاد علیه السلام عنایت دیگر خداوند به حیوانات را اعطای درک نسبت به جنس مخالف می‌داند:
«معرفتها بالأنثی من الذکر»؛
حیوان، ماده را از نر تشخیص می‌دهد.

۴-۱. معرفت به ارتزاق و گذراندن زندگی

حیوانات نیز مانند انسان‌ها می‌دانند و درک می‌کنند که برای ادامه زندگی، باید به دنبال غذا بروند و به‌قولی امرار معاش کنند. در ادامه روایت چنین آمده است:
«معرفتها فی طلب الرزق»؛ (صدوق، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۸۸)
حیوان می‌داند که چگونه روزی خود را بیابد.
در حدیث علی بن رثاب از امام سجاد علیه السلام آمده است:
«معرفتها بالمرعی عن الخصب». (همان)
حیوان چراگاه را در میان سبزه‌زار تشخیص می‌دهد و می‌داند کجا باید به چرا برود و خود را سیر کند.

۲. محترم بودن حیوانات

فقه شیعه، حیوان را محترم می‌شمارد و پیرو آن، برای او حقوقی را لازم می‌داند. صاحب جواهر در باب جواز تیمم در صورتی که اندکی آب موجود است و در عین حال حیوان تشنه است، می‌گوید:

«قد يقال إنها نفوس محترمة وذوات أكباد حارة مع حرمة إيدائها بمثل ذلك، بل هي واجبة النفقة عليه التي منها السقي، بل في غير واحد من الأخبار المعتبرة ان للدابة على صاحبها حقوقاً منها ان يبدء بعلفها إذا نزل فتحترم لذلك لا من جهة المالية؛ (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۱۵)

چهبسا گفته می‌شود حیوانات نفس محترمه‌ای دارند و صاحب جگرهای تشنه‌اند که باید سیرایشان کرد. همچنین اذیت کردنشان به وسیله تشنه نگه داشتن آنها حرام است؛ بلکه نفقه حیوان بر مالک واجب است، که یکی سیراب کردنشان است. در احادیث متعدد و معتبری نیز آمده است: حیوان بر صاحبش حقوقی دارد که از جمله آنها، رسیدگی به آب و غذای حیوان قبل از خودش است. به سبب ادله یاد شده، حیوان دارای احترام است؛ نه اینکه حکم به جواز تیمم، از جهت حفظ مال باشد. ایشان احترام حیوان را نه از این حیث که مال است، بلکه از این حیث که موجودی ذی‌روح و محترم است، می‌داند.

شیخ طوسی رحمته الله نیز در مقام تعلیل بر وجوب نفقه حیوان چنین بیان می‌گوید:
«لأن لها حرمة»؛ (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۷)
همچنین علامه حلی (ره) در کتاب/جاره می‌نویسد:
«لان للحیوان حرمة فی نفسه؛ (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۷)

۳. دستور به تدبر و تفکر در خلقت حیوانات

آیات و روایات بسیاری به انسان دستور می‌دهد در خلقت جهان هستی، به‌ویژه حیوانات تدبر و تفکر کند؛

﴿وَلَمْ يَرَوْا أَنَا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ (یس، ۷۱-۷۳)

«آیا آنها ندیدند که از آنچه با قدرت خود به‌عمل آورده‌ایم، چهارپایانی برای آنها آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟ آنها را رام ایشان ساختیم؛ هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند؛ و برای آنان منافع دیگری در آن حیوانات است؛ و نوشیدنی‌های گوارایی. آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾

(مؤمنون، ۲۱)

«و برای شما در چهارپایان عبرتی است؛ از آنچه در درون آنهاست (شیر) شما را سیراب می‌کنیم و برای شما در آنها منافع فراوانی است؛ و از گوشت آنها می‌خورید».

﴿فَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ (غاشیه، ۱۷)

«آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است».

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۶۷-۶۸)

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی فرستاد که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین؛ سپس از تمام ثمرات تناول کن و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، به‌راحتی بیما. از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج می‌شود، به رنگ‌های مختلف، که در آن شفای مردم هست. در این امر نشانه‌ی روشنی است برای آنها که اهل فکرند!»

با توجه به مطالبی که از ابتدا تا کنون ذکر شد، به‌ویژه آنچه صاحب‌جوهر در باب محترم بودن حیوانات فرمودند، اصل‌ذی‌حق بودن حیوانات مشخص شد؛ اما ذکر کامل و تفصیلی این حقوق، فرصتی دیگر می‌طلبد و از حوصله‌ی این مقاله خارج است. پس از پذیرفتن اصل‌حق برای حیوان، در ادامه به دو بحث ذبح و شکار می‌پردازیم که در این زمینه حقوق حیوان بیش از جاهای دیگر خدشه‌دار می‌شود.

ذبح، شکار و نقض حقوق حیوانات

ذبح و شکار، در نهایت به مرگ حیوان می‌انجامد و حیات او را از بین می‌برد. در نتیجه، ابتدا باید حق حیات حیوان بررسی شود. اینکه آیا چنین حقی برای حیوان ثابت است؟ و در صورت ثبوت، آیا ذبح و شکار حیوان، از موارد جواز اسقاط این حق است یا خیر؟

حق حیات

حق حیات، به دلایل مختلف از کتاب و سنت و عقل برای انسان ثابت شده است؛ اما حق حیات به معنای حق ادامه زندگی و بهره بردن از نعمات خداوندی و به فعلیت رسیدن استعدادها و رسیدن به کمال و غایت زندگی، برای همه موجودات زنده، به ویژه حیوانات، قابل اثبات است؛ چراکه افزون بر ادله‌ای که خواهد آمد، حیوانات نیز استعداد رشد و حرکت به سوی غایت خلقت را دارند.

همین حق حیات داشتن و ذی‌روح بودن حیوانات سبب شده است برخی فقها برای نجات کشتی در حال غرق، وقتی امر دایر بین به آب انداختن وسایل و به آب انداختن حیوانات است، اجازه غرق حیوانات را ندهند. شهید ثانی در مسالک می‌فرماید:

السفينة إذا أشرفت علي الغرق يجوز إلقاء بعض أمتعتها في البحر، وقد يجب رجاء نجات الراكبين إذا خفت. ويجب إلقاء ما لا روح فيه لتخليص ذی الروح. ولا يجوز إلقاء الحيوان إذا حصل الغرض بغيره وإذا مست الحاجة إلي إلقاء الحيوان قدمت الدواب لبقاء الادميين؛ (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۱۵، ص ۳۸۳)

هنگامی که کشتی در شرف غرق شدن باشد، به آب انداختن بعضی از وسایل جایز است؛ و برای نجات پیدا کردن ذی‌روح، به آب انداختن آنچه روح ندارد، واجب است. و اگر غرض با به آب انداختن وسایل دیگر حاصل می‌شود، به آب انداختن حیوان جایز نیست؛ و اگر به القای حیوان نیاز پیدا شد، چهارپایان مقدم‌اند.

ادله روایی حق حیات

روایاتی که از کشتن حیوانات نهی کرده، و حق حیات را برای آنها اثبات می‌کنند، دو دسته‌اند: برخی به طور عموم، یعنی بدون ذکر نام حیوان خاصی، این نهی را دارند؛ و برخی دیگر با ذکر نام، از قتل حیوانی خاص منع می‌کنند.

الف: روایاتی که به طور عموم دال بر منع قتل حیوان‌اند.

روایت اول

«عن النبي ﷺ انه نهى عن قتل كل ذی روح إلا أن يؤذی»؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۹، ح ۳۹۹۸۱)

ایشان از کشتن هر موجود داری روح (حیوان) نهی فرمودند؛ مگر آنکه که مودی باشد.

در این روایت، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از قتل موجود روح‌دار منع می‌کند و جواز آن را فقط در صورت اذیت و آزار می‌داند.

روایت دوم:

«عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ما من دَابَّةٍ - طائرٍ ولا غَيْرِهِ - يُقْتَلُ بِغَيْرِ الْحَقِّ إِلَّا سَتُخَاصِمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۱۹)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هر حیوان، پرنده یا غیر آن، که به ناحق کشته شود، روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند.

روایت سوم

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لعن الله من اتخذ شيئاً فيه الروح غرضاً.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۸۲)

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: خداوند لعنت کرده است کسی را که موجود جان‌داری را مورد هدف قرار می‌دهد.

روایت چهارم

قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَام: «أقذر الذنوب ثلاثة: قتل البهيمة، وحبس مهر المرأة، ومنع الاجير اجرة.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۶۸)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: کثیف‌ترین گناهان سه چیز است: کشتن جان‌دار،^۱ خودداری از پرداختن مهریه زن، و نپرداختن مزد کارگر.

در مجموع روایات یادشده، نهی از قتل بی‌دلیل حیوان وجود داشت. البته روایات بسیار دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که برای رسیدن به مطلوب، بیان همین مقدار کافی است.

۱. در معنای «بهمه»، چهارپا نیز آمده است. (المنجد، ذیل کلمه بهمه).

ب) روایاتی که از قتل حیوان خاصی نهی می‌کنند

روایت اول

قال رسول الله ﷺ: «من قتل عصفوراً بغير حق سأله الله عنه يوم القيامة»؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۷، ح ۳۹۹۶۹)

هر که گنجشکی را بدون دلیل بکشد، خداوند در روز قیامت از آن سؤال می‌کند.

روایت دوم:

عن النبي ﷺ أنه قال: «اطلعت ليلة اسرى بي على النار فرأيت امرأة تعذب، فسألت عنها، فقيل: انها ربطت هرة ولم تطعمها ولم تسقها ولم تدعها تأكل من حشائش الأرض حتى ماتت فعذبها بذلك»؛ (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۷)

رسول اکرم ﷺ در حدیث معراج نقل می‌فرمایند: زمانی که در شب معراج بر آتش جهنم گذر می‌کردم، زنی را دیدم که عذاب می‌شد. از علت آن سؤال کردم. در پاسخ گفته شد: او زنی بود که گربه‌ای را بسته و محبوس کرده بود و به او غذا و آب نمی‌داد و رهایش هم نمی‌کرد تا از آب و علف زمین چیزی بخورد؛ تا اینکه مرد و جان باخت. پس عذاب او بدین سبب است.

روایت سوم

عن النبي ﷺ: «من قتل عصفوراً عبثاً جاء يوم القيامة يعجّ الى الله تعالى يقول: يا ربّ هذا قتلني عبثاً ينتفع بي ولم يدعني فاكل من حشارة الارض»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۴)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: کسی که گنجشکی را بیهوده بکشد، آن حیوان در روز قیامت به حضور خدا شکایت می‌کند و می‌گوید: خدایا این شخص من را بیهوده کشت؛ در حالی که هیچ سودی از کشتن من نداشت و رهیم نکرد تا از حشرات زمین تغذیه کنم.

روایت چهارم

أبي الحسن الرضا عليه السلام عن أبيه، عن جده عليه السلام قال: لا تأكلوا القنبرة ولا تسبوها ولا تعطوها الصبيان يلعبون بها فإنها كثيرة التسييح لله تعالى وتسبيحها لعن الله مبغضى آل محمد عليه السلام؛ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۶، باب القنبره، ح ۱)

امام رضا علیه السلام فرمود: مرغ چکاوک را نخورید و به او دشنام و ناسزا نگوئید، و او را در اختیار کودکان قرار ندهید تا با او بازی کنند؛ زیرا آن پرنده زیاد تسبیح خدا می‌کند و در تسبیحش بر دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله لعنت می‌فرستد. در این روایت، حتی از سب حیوان نیز منع شده است. پس به طریق اولی حق حیات برای او اثبات می‌شود.

روایت پنجم

«مرّ رسول الله صلی الله علیه و آله علی قوم نصبوا دجاجة و هم یرمونها بالنّبل، فقال: من هوّلاء لعنهم الله». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۲۶۷)

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر گروهی گذر کرد که مرغ زنده‌ای را هدف قرار داده بودند و به آن تیراندازی می‌کردند. پس فرمود: کیستند اینان؟ خدا لعنتشان کند.

روایت ششم

عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «أنه ... و نهی عن قتل النحل»، (همو، ج ۶۱، ص ۲۶۷)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از کشتن زنبور عسل نهی فرمود.

روایت هفتم

انّ رسول الله صلی الله علیه و آله نهی عن قتل خمسة: الصرد والصوام والهدهد والنحلة و النملة والصفدع»، (همان، ص ۲۶۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کشتن پنج حیوان نهی نمود: جغد،^۱ هدهد، زنبور عسل، مورچه و قورباغه.

لازم به ذکر است، از روایات یاد شده استفاده‌های بسیاری می‌توان کرد و حقوقی مانند حق بهره‌برداری صحیح، عدم آزار و اذیت حیوانات و حق نفقه را برای آنها به دست آورد؛ اما از آنجا که موضوع بحث، فقط ذبح و شکار و حق حیات است، به آنها پرداخته نشده است.

با جمع بین روایات دسته اول و دوم، مشخص می‌شود که حق حیات برای تمام حیوانات ثابت است و برای از بین بردن آن، نیاز به دلیل موجه است. البته در روایات

۱. علامه مجلسی در ذیل این حدیث می‌فرماید: ظاهراً «صرد» و «صوام» هر دو به یک معنایند.

دسته دوم که نام حیوانات نیز آمده است، به طور قطع حکمتی هست؛ اما با توجه به کثرت این احادیث و ذکر نام بسیاری از حیوانات، و همچنین عموم نهی در روایات دسته اول، مطلوب ما که حق حیوان است، ثابت می‌شود.

این حق، چنان مستقر است که در تراحم وضو و حیات حیوان، حق حیوان مقدم می‌شود. اگر آب برای وضو کم باشد، به گونه‌ای که در صورت انجام وضو، حیوان از تشنگی تلف خواهد شد، حق حیات حیوان اولویت دارد؛ و این مسئله، یکی از موارد جواز تیمم است.

به همین دلیل، شهید ثانی می‌فرماید:

«أو الخوف من استعماله لمرض حاصل يخاف زيادته أو بطؤه أو عسر علاجه، أو متوقع، أو برد شديد يشق تحمله، أو خوف عطش حاصل، أو متوقع في زمان لا يحصل فيه الماء عادة، أو بقرائن الأحوال لنفس محترمة ولو حيواناً»؛ (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۶)

از شرایط جواز تیمم، ترس از عطشی است که برای نفس محترمه‌ای - گرچه حیوان باشد - به وجود آید یا انتظار می‌رود به طور معمول یا بر اساس قراین و شواهدی، به وجود آید و در آنجا آبی یافت نشود.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نیز در زمینه مجوزات تیمم، می‌فرمایند:

«... در عطش که موجب هلاکت است، فرقی نیست بین آنکه خوف هلاکت بر خودش باشد یا دیگری، آن دیگری انسان باشد یا حیوان، مملوک باشد یا غیرمملوک، از آنچه که حفظ آن از هلاکت واجب است...». (خمینی، ۱۳۸۱، مسئله ۶۷۴)

ذبح و نقض حق حیات حیوان

چنان که در مقدمه ذکر شد، انسان برای بقای خود تلاش می‌کند و برای حفظ حیات خویش، از دیگر مخلوقات خداوند، مانند آب و اکسیژن و حیوانات و گیاهان استفاده می‌کند؛ و این تراحم در همه طبیعت وجود دارد و این چرخه ارتزاق موجودات از یکدیگر، همیشه حکم فرماست.

همچنین بیان شد که انسان برای تغذیه خود، به گوشت نیاز دارد و هر چند برخی گیاهخواران منکر نیاز بدن به گوشت‌اند، اما فواید غذایی موجود در گوشت و البته

دیگر فراورده‌های حیوانی، این نیاز را اثبات می‌کند. در قرآن کریم نیز آیات بسیاری بر اصل جواز مصرف گوشت حیوانات حلال گوشت دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (غافر، ۷۹)

خداوند کسی است که چهار پایان را برای شما آفرید تا برخی را سوار شوید و از برخی تغذیه کنید.

﴿فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ (انعام، ۱۱۸)

و از آنچه نام خدا بر آن گفته شده است، بخورید (اما از گوشت حیواناتی که هنگام سر بردن، نام خدا بر آن نمی‌برند، نخورید)؛ اگر به آیات او ایمان دارید.

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (نحل، ۵)

و چهار پایان را آفرید؛ در حالی که برای شما در آنها وسیله پوشش و منافع دیگر است؛ و از گوشت آنها می‌خورید.

آنچه مهم است، نوع و طریقه کشتار حیوان است که اسلام هرگونه آن را نمی‌پذیرد و فقط ذبح شرعی را موجب حلیت گوشت حیوان می‌شمرد. اما از گوشت حیواناتی که هنگام سر بردن، نام خدا بر آن نمی‌برند نخورید:

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ...!﴾ (مائده، ۳)

بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد و [حیوان حلال گوشت] خفه شده و به چوب مرده و از بلندی افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه درنده از آن خورده باشد؛ مگر آنچه را [که زنده دریافتی و خود] سر ببرید...

بحث اصلی این است که ذبح حیوان، به طور مستقیم حیات ظاهری حیوان را از بین می‌برد و همین امر باعث شده است که برخی از کشورهای غربی و مجامع غیراسلامی با ذبح مخالفت کنند و آن را نقض حقوق حیوانات بدانند. از همین روی، ما با ذکر فوایدی از ذبح شرعی، این تناقض ظاهری را رفع می‌کنیم و در ادامه بیان

می‌داریم که دستوره‌های اسلام در زمینه ذبح، مؤید حقوق حیوانات است، نه ناقض آن.

در ذبح اسلامی، شکافی در عرض یک ثانیه بر روی گردن انجام می‌شود که با یک چاقوی تیز، همه رگ‌های گردن قطع شده و با این عمل، خون‌ریزی به سرعت و ناگهانی اتفاق می‌افتد. در این حالت، به سرعت فشار خون ازدست رفته و مغز دچار فقر خون شده و حیوان هیچ‌گونه دردی را احساس نمی‌کند. در اسلام، مستحب است که سر از بدن جدا نشده، و هنگام ذبح، تا خارج شدن روح از بدن باقی بماند. اگر طناب نخاعی قطع شود، فیبر عصبی که به قلب می‌رود، ممکن است آسیب دیده و سبب توقف فعالیت قلب گردد. بنابراین، ایستایی خون داخل عروق اتفاق می‌افتد. از جنبه علمی، هنگامی که برش در قسمت گردن ایجاد می‌شود، پیام این برش به سرعت به مغز مخابره شده و مغز به دلیل کاهش فشارخون، پیام‌های عصبی را از کانال نخاعی (اتصال سر به نخاع) به قلب می‌فرستد. در این حالت، قلب با فشار بیشتری به عمل تلمبه‌ای خود ادامه داده تا فشار ازدست‌رفته را جبران کند. به این سبب، خون بیشتری از لاشه خارج شده و به دلیل خروج خون بیشتر، گوشتی با ماندگاری طولانی و بهداشتی حاصل می‌شود.^۱

البته این مسئله شاید به حال حیوان ربطی نداشته باشد و فقط برای رعایت سلامت و منافع مصرف‌کننده گوشت، یعنی انسان باشد؛ اما با کمی دقت می‌توان دریافت شاعری که ذبح را با این پشتوانه عقلی و علمی - البته تا مقداری که عقل ناقص بشر یافته - حکم کرده است، قطعاً همان‌گونه که رعایت حال انسان را داشته، حال حیوان را نیز رعایت کرده است.

به کار بردن نام خدا در قالب تکبیر واجب قبل از ذبح یا بسمل کردن نیز رموز خاص خود را دارد. چند سال پیش دانشمندی به نام سعد مخلص یعقوب که استاد دانشگاه‌های سوریه و اردن است، طی تحقیقی به روش امروزی مدعی شد که به کار بردن نام خدا قبل از ذبح، باعث خون‌گیری بهتر دام می‌شود. او با محیط‌های کشت

۱. روزبه شیاک، «مقایسه ذبح اسلامی و غیراسلامی»،

خود که در مستندی در چند شبکه تلویزیونی به نمایش گذاشت، مقایسه‌ای را در میزان رشد میکروب‌های موجود در دام (فلور) و میزان گلبول‌های التهابی بین گوشت حیوان ذبح‌شده با نام خدا و دیگری ذبح‌شده بدون ذکر نام خدا انجام داد. میزان رشد میکروب‌ها و همچنین میزان تراکم گلبول‌های سفید التهابی در محیط‌های کشت و نمونه‌های حیوان ذبح‌شده با نام خدا، به شکل معناداری کمتر از نمونه‌های دیگر بود.^۱

از سوی دیگر، تمام موجودات این دنیای فانی، مرگ را خواهند چشید؛ چه انسان باشد و چه حیوان و چه گیاه؛ اما قطعاً برای حیوانی که می‌توانست به مرگ طبیعی یا بر اثر بیماری یا دریده شدن توسط یک درنده از بین برود، ذبح شرعی برای بقای انسان، با همه فواید پزشکی که برای این نوع ذبح بیان شد، نوعی کمال در مرگ به‌شمار می‌آید و با بررسی تمام شرایط ذبح، که از جمله آنها روبه‌قبله بودن حیوان است، می‌توان به این کمال پی برد. افزون‌براین، دستورهایی که در ادامه در باب ذبح آمده، نشان‌دهنده اهمیت اسلام درباره حقوق حیوانات است.

دستورهای اسلام در ذبح، مؤید حقوق حیوانات

در اسلام دستورها و توصیه‌ها و احکامی در باب ذبح وجود دارد که شارع مقدس با بیان آنها حقوق حیوانات را تأیید و تثبیت کرده است:

۱. منع ذبح در شب

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا﴾ (انعام، ۹۶)

و شب را مایه آرامش قرار داد.

شب مایه آرامش و سکون همه موجودات است و این آرامش نباید از بین برود. از این رو، ذبح حیوان در شب نهی شده است. شرع مقدس با این ظرافت سعی در حفظ حقوق حیوانات دارد.

صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید:

۱. علی انگالی‌نژاد، «رمز و رازهای ذبح در مقایسه مذاهب و ادیان».

«وتكره الذبحة ليلاً إلا مع الضرورة لنهي النبي ﷺ عن ذلك، ولقول الصادق ﷺ في خبر أبان كان على بن الحسين ﷺ يأمر غلمانه أن لا يذبوا حتي يطلع الفجر و يقول إن الله جعل الليل سكناً»؛ (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۴)

ذبح در شب مکروه است، به دلیل نهی پیامبر ﷺ از آن، و به دلیل قول امام صادق ﷺ در خبری که از أبان نقل شده است که: علی بن الحسین ﷺ به غلام‌هایشان امر می‌کردند تا طلوع فجر ذبح نکنند و فرمودند: خدا شب را مایه آرامش قرار داده است.

۲. عدم ذبح حیوانی در برابر حیوان دیگر

اسلام از ذبح حیوان در برابر چشمان حیوان دیگر به شدت منع کرده است؛ زیرا حیوانات نیز نسبت به یکدیگر فهم و شعور و احساس دارند و شارع از هجمه به این احساسات حیوان، مانع شده است. در روایت آمده است:

عن ابی عبد الله ﷺ: انّ امیر المؤمنین ﷺ قال: لا تذبح الشاة عند الشاة ولا الجزور عند الجزور وهو ينظر اليه؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ابواب الذبائح، باب ۷، ح ۱)

امام صادق ﷺ از امیر المؤمنین ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: گوسفند در برابر دیدگاه گوسفند دیگر، و شتر در برابر دیدگان شتر دیگر ذبح نمی‌شود. برخی از فقها مانند یحیی بن سعید، علامه حلی و دیگران، با استناد به روایت فوق، بر کراهت آن تصریح فرموده‌اند. (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۷۴؛ حلی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۲؛ نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۷) برخی نیز همانند شیخ طوسی، حکم به حرمت داده‌اند. شیخ در نهاییه می‌نویسد: «لا يجوز ذبح شيء من الحيوان صبراً وهو أن يذبح شيئاً وينظر اليه حيوان آخر»؛ (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴)

در شرایع نیز آمده است:

«ویکره أن یذبح حیوان و آخر ینظر اليه؛ (حلی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۰۶)

سر بریدن حیوان، در حالی که حیوان دیگر به او نگاه می‌کند، مکروه است. به هر حال، چه قایل به حرمت شویم و چه قایل به کراهت، در هر صورت این نهی مصداق بارز رعایت حق حیوان در ذبح است.

۳. منع از کندن پوست حیوان بلافاصله پس از ذبح

حیوان بلافاصله پس از ذبح نمی‌میرد و در این فاصله، یعنی وقتی هنوز روح در بدن حیوان هست، کندن پوست آن یا قطع عضوی از بدن حیوان جایز نیست. بیشتر فقها قایل به کراهت این کار شده‌اند. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۲۴؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۱۰) حتی بعضی فقیهان، مانند شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴)، ابن‌زهرة (حلی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۷) و شهید (مکی عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۲۵) حکم به حرمت داده‌اند.

فاضل هندی در این زمینه می‌نویسد:

«الأقوی ما اختاره الشهيد من حرمة الفعل...لأنه إيلام للحيوان بلا فائدة وقد نهی

عن تعذيب الحيوان؛ (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۳۵)

اقوی آن چیزی است که شهید اختیار کرده و آن حرمت است....

مرحوم فاضل هندی در تعلیل این حکم می‌فرماید: چون این کار موجب اذیت و آزار حیوان است و از عذاب دادن حیوان نهی شده است.

اگر حیوان پیش از اینکه کاملاً بمیرد، سلاخی شود، گوشتش حلال نیست. دلیل

این حکم، روایتی است از امام رضا علیه السلام که به‌صراحت دلالت بر حرمت می‌کند؛

«إذا ذبحت الشاة وسلخت او سلخ شيءٌ فيها قبل ان تموت لم يحل أكلها؛ (حر

عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۳۱۴، باب ۸ ح ۱)

هرگاه حیوانی ذبح شود و همه یا بخشی از آن قبل از مرگ [کامل] حیوان پوست

کنده شود، خوردن گوشت آن حلال نیست.

از تمام گفته‌ها و احادیث فوق، تأکید شارح بر عدم آزار و اذیت حیوان و رعایت

حق آن به‌دست می‌آید.

۴. پرهیز از رنج دادن حیوان در ذبح

توصیه‌های بسیاری (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴) برای ذبح وارد شده است که به‌طور پراکنده به برخی اشاره شد و در ادامه نیز ذکر می‌شود. مجموع این دستورها بیانگر حقوق حیوانات‌اند و از رنج دادن و آزار و اذیت آنها منع می‌کنند.

شهید ثانی پس از ذکر وظایفی که رعایت آنها هنگام ذبح لازم است، (عاملی،

۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۴۱۹) به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند:

«روی شداد بن اویس ان النبی صلى الله عليه وآله قال: ان الله كتب عليكم الإحسان في كل شيء فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة وإذا ذبحتم فأحسنوا الذبحة»؛ (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۲۴) پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله می‌فرماید: خداوند احسان در همه امور را بر شما لازم داشته است؛ پس زمانی که حیوانی را ذبح می‌کنید، به‌خوبی ذبح را انجام دهید. فاضل هندی نیز این روایت را در کتاب خود می‌آورد: (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲۶)

وعن جعفر بن محمد الثعالبي أنه قال: «إذا أردت أن تذبح ذبيحة فلا تعذب البهيمة. (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷۴) همچنین صاحب جواهر در کتابش بر همین نکات تأکید کرده است. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۳)

۵. فلج کردن حیوان پیش از ذبح

در گذشته برای تسریع و راحتی در ذبح، حیوان را به‌طریقی فلج می‌کردند تا تحرک کمتری داشته باشد یا با قطع نخاع حیوان، حرکت او را از کار می‌انداختند؛ اما چنین روشی، از آن جهت که بسیار ظالمانه و مخالف حقوق حیوانات است، در اسلام نهی شده است.

امام صادق عليه السلام می‌فرمایند: «لا تنزع الذبيحة حتى تموت فإذا ماتت فانزعها»؛ حیوانی را که ذبح می‌کنید، پیش از مرگ قطع نخاع و فلج نکنید؛ و پس از مرگش این کار را انجام دهید. شهید اول در این باره می‌گوید: «یکره أن تنزع الذبيحة»

شهید ثانی در شرح عبارت شهید اول می‌نویسد:

«هو أن يقطع نخاعها قبل موتها... و قيل: يحرم؛ لصحیحة الحلبي، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: [لا تنزع الذبيحة حتى تموت فإذا ماتت فانزعها] والأصل في النهي التحريم وهو الأقوى واختاره في الدروس»؛ (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۲۳۰) عده‌ای قایل به حرمت این عمل شده‌اند و دلیل آنها، صحیح حلبی از امام صادق عليه السلام است که می‌فرماید: «حیوانی را که ذبح می‌کنید، پیش از مرگ قطع نخاع

و فلج نکنید و پس از مرگش این کار را انجام دهید؛ و اصل در نهی مذکور در روایت، حرمت می‌باشد.

شهید ثانی این نظر (حرمت) را اقوی می‌داند و می‌فرماید: خود شهید اول در کتاب دروس، قول به حرمت را اختیار کرده است.

شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴) و فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۵۹) نیز قایل به ممنوعیت شده‌اند.

از کلام فقها و حدیث یادشده به‌وضوح برداشت می‌شود که به حق حیوان بسیار اهمیت داده شده است و این دستور اسلام نیز از جمله توصیه‌هایی است که از حقوق حیوانات حمایت می‌کند.

۶. دستور به تیز بودن آلت ذبح

یکی از اوامر شرع در باب ذبح این است که آلت ذبح باید به‌اندازه‌ای تیز باشد که حیوان زجر نکشد و آزار و اذیت نبیند.

در روایتی در این باره چنین آمده است:

قال الصادق عليه السلام: «إذا أراد أن تذبح الذبيحة فلا تعذب البهيمة، احد الشفرة»؛ (تمیمی

مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۶۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، باب سوم از ابواب ذبح، ح ۲)

هنگامی که خواستی چهارپا را ذبح کنی، حیوان را عذاب نده و آلت ذبح را تیز کن.

همچنین در حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

انه صلی الله علیه و آله أمر أن تحد الشفار وأن توارى عن البهائم وقال: إذا ذبح أحدكم فليجهز؛

(بیهقی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۸۰)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور فرمود که برای ذبح، چاقو را تیز کنی؛ و از جلوی چشمان

دیگر حیوانات دور شوید (و جلوی چشم حیوانی، حیوان دیگر را ذبح نکنید)؛ و

فرمودند: زمانی که یکی از شما ذبح حیوانی را انجام می‌دهد، خود را به وسایل مورد

نیاز تجهیز کند.

فاضل هندی نیز قریب به همین مطالب را با استناد به روایاتی می‌آورد. (فاضل

هندی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۲۶)

۷. با قدرت کشیدن چاقو

در راستای همان دستورهایی که در زمینه حقوق حیوان آمده، گفته شده است: علاوه بر تیز بودن چاقو و تسریع در ذبح، لازم است آلت ذبح با قوت و نیروی تمام کشیده شود تا حیوان سریع تر و به راحتی جان دهد.

شهید در مسالک می فرماید:

«ویمرّ السکین بقوة»؛ (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۲۸)

چاقو را با قوت بر گلوی ذبیحه بکشد.

۸. تسریع در ذبح

تسریع در ذبح حیوان باعث عدم زجر آن می شود و از مصادیق این روایت است: «انّ الله تعالی کتب علیکم الاحسان فی کل شیء... فاذا ذبحتم فأحسنوا الذبحة»؛ (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۸۰)

خداوند نیکی کردن و احسان بر هر چیزی را بر شما واجب کرده است... از این رو، هر گاه خواستید حیوانی را ذبح کنید، ذبح را به نیکویی انجام دهید. شهید در مسالک، بنا بر همین روایت، قایل به استحباب تسریع در ذبح شده است. (شهید ثانی، همان)

۹. نچرخاندن چاقو در حلقوم حیوان

بعضی در هنگام ذبح، چاقو را در حلقوم حیوان می چرخانند که موجب آزار حیوان است و بیشتر فقها قایل به کراهت شده و بعضی نیز آن را حرام دانسته اند. (حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷۴۰)

مستند این فتوا روایتی است که حمران ابن ابی اعین از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

«ولا تقلب السکین لتدخلها تحت الحلقوم»؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۲۱۴، باب ۳، ح ۲)

چاقو را جهت داخل کردن در حلقوم، نچرخان.

۱۰. نکشتن حیوانی که ذابح، خودش آن را پرورش داده است

اسلام به انس و الفتی که بین حیوان و صاحبش شکل می‌گیرد، اهمیت می‌دهد و می‌فرماید: ذابح، حیوانی را که خود پرورش داده است، نکشد.

«عن أبي الصحرارى عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: الرجل يعلف الشاة والشاتين ليضحى بها، قال: لا أحبّ ذلك. قلت: فالرجل يشتري الجمل او الشاة فيتساقط علفه من هيهنا وهيهنا فيجيبىء الوقت وقد سمن فيذبحه. فقال: ولكن اذا كان ذلك الوقت فليدخل سوق المسلمين وليشتر فيها ويذبحه»؛ (حرعالملى، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۳۷۴، باب ۲۰، ح ۲) ابی‌صحراری به امام صادق عليه السلام عرض می‌کند: شخصی به یک و دو گوسفند علف می‌دهد (آنها را پرورش می‌دهد) تا برای قربانی از آنها استفاده کند. حضرت فرمود: این کار را دوست نمی‌دارم. عرض کرد: شخصی شتر یا گوسفندی را می‌خرد و برای او از اینجا و آنجا علوفه فراهم می‌کند تا اینکه زمان ذبح آن فرا می‌رسد و آنها را سر می‌برد. حضرت فرمود: [چنین نکند] و هرگاه وقت انجام چنین کاری رسید، داخل بازار مسلمانان شود و حیوانی بخرد و آن را ذبح کند.

عاطفه و احساسی که میان حیوان و صاحب دل‌سوز او شکل می‌گیرد، دوسویه است و شارع دوست ندارد این عاطفه نادیده گرفته شود؛ زیرا همان‌گونه که ممکن است صاحب حیوان متألم شود، حیوان نیز رنج بکشد. در روایت ذیل، راوی از نگاه خاص حیوانش هنگام ذبح، برای امام عليه السلام صحبت می‌کند:

محمد بن فضیل چنین نقل کرده است:

«قلت له: كان عندي كبش سمته لأضحى به فلما أخذته فأضحته نظر إليّ فرحمته ورفقت له ثمّ إنني ذبحته، قال: فقال: ما كنت أحبّ لك أن تفعل؛ لا تربين شيئاً من هذا ثمّ تذبحه»؛ (همان، ص ۳۰۸)

به حضرت رضا عليه السلام عرض کردم: من برای قربانی، قوچی را پرورش دادم. چون او را گرفتم و به زمین زدم تا ذبح کنم، نگاهی به من کرد. پس با او مهربانی و مدارا کردم. حضرت فرمود: دوست نداشتم چنین می‌کردی؛ نباید حیوانی را تربیت کنی؛ آن‌گاه سرش را ببری.

صاحب جواهر، به علت قصور سند روایات، قایل به کراهت در این باب شده

است. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۸)

شکار و نقض حق حیات حیوان

دومین موردی که به طور مستقیم حیات حیوان را نشانه می‌رود و به ظاهر موجب از بین رفتن این حق می‌شود، شکار و صید حیوانات است.

اصل جواز مصرف گوشت حیوانات حلال گوشت گذشت و گفته شد یکی از راه‌های دسترسی به این گوشت، شکار و صید است.

پیش‌تر، اگر این شکار برای تغذیه یا امرار معاش، یعنی فروختن آن غذا باشد، جایز است؛ اما اگر برای تفریح و لهوی باشد، حرام خواهد بود.

قال رسول الله ﷺ: «من قتل عصفوراً عبثاً عجب من الله يوم القيامة منه. يقول: يارب! ان فلاناً قتلني عبثاً ولم يقتلني لمنفعة»؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ح ۳۹۹۷۱)

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت آن گنجشک از او پیش خداوند شکایت می‌کند و می‌گوید: ای پروردگار من! فلانی مرا بیهوده کشت و برای منفعتی مرا به قتل نرساند.

این روایت، حرمت شکار لهوی و تفریحی و جواز شکار عقلایی را می‌رساند. اما اگر لازمه صید و شکار تفریحی حیوانات، سفر باشد، آن سفر سفر معصیت است و نماز شکارچی یا صیاد شکسته نیست؛ بلکه کامل است؛ و اگر در ماه رمضان باشد، روزه بر او واجب است.

علامه حلی قایل به همین حکم است و می‌گوید:

«عدم قصر الصلاة في المتصيد لهواً دون المتصيد للقوت أو التجارة»؛ (حلی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۰)

نماز در سفر برای صید لهوی و بی‌دلیل، شکسته نیست و کامل است؛ و روزه نیز واجب است؛ اما بنا بر نظر گروهی، کسی که برای غذای خود یا برای امرار معاش و تجارت، صید می‌کند، چنین حکمی ندارد.

ابن سعید حلی (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۹۱) و صاحب جواهر نیز همین حکم را ذکر فرموده‌اند. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۲۵۷)

حرمت شکار و صید تفریحی، و دستورها و توصیه‌های شرع درباره شکار - که در ادامه می‌آید - بر عدم نقض حقوق حیوانات دلالت می‌کند و حمایت اسلام از حقوق حیوانات را نشان می‌دهد.

دستورهای اسلام در شکار و صید، مؤید حقوق حیوانات

در اسلام، همانند ذبح، دستورها، و توصیه‌ها و احکامی در باب صید و شکار وجود دارد که شارع مقدس با بیان آنها حقوق حیوانات را تأیید و تثبیت کرده است:

۱. منع صید در شب

همان آیه ۹۶ سوره انعام که شب را مایه آرامش بیان کرده بود و برای منع ذبح در شب مورد استناد قرار گرفت، در اینجا هم می‌تواند بر منع شکار در شب دلالت کند؛ به این بیان که حیوان هم مانند انسان حق استفاده از سکون و آرامش شب را دارد و شکار آن در روز، آن‌هم برای ضرورت‌هایی که ذکر شد، جایز است.

شیخ مفید می‌فرماید:

«ویکره صید الوحش والطائر فی اللیل». (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۷)

۲. ابزار صید و شکار

همان دستورهایی که در باب ذبح گذشت، مانند تیز بودن آلت، با قوت کشیدن آن و تسریع در آن، در اینجا هم قابل استناد است؛ چراکه در شکار و صید هم باید تذکیر وجود داشته باشد؛ و پیرو آن، توصیه‌های وارد شده در ذبح، در صید هم می‌آید.

۳. حرمت شکار جوجه و نوزاد حیوان

شیخ صدوق در این باره می‌گوید:

«لا یجوز أخذ الفراخ من أوكارها فی جبل أو بئر أو أجمه حتی تنهض»؛ (صدوق،

۱۴۱۸ق، ص ۷۹)

شکار نوزاد حیوانات از لانه‌هایشان در کوه یا چاه یا نیزار، تا زمانی که قادر به

پرواز نباشند، جایز نیست.

شیخ مفید نیز می‌فرماید:

«ولا یجوز أخذ الفراخ من أوكارها»؛ (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۷)

گرفتن جوجه‌ها از آشیانه‌هایشان جایز نیست.

برخی از فقها نیز در صورت صید جوجه‌ای که قدرت بر فرار ندارد، گوشت آن را

حرام می‌دانند. (حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷۳۸)

۴. حرمت شکار در حال احرام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ﴾ (مائده، ۹۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکار را در حال احرام به قتل نرسانید.
عن أبي عبد الله عليه السلام قال لا تستحلن شيئاً من الصيد وأنت حرام؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ابواب تروک احرام، ح ۱)
امام صادق عليه السلام می‌فرماید: در حالیکه مُحرم هستید، هیچ صیدی را برای خود حلال نشمارید.

احادیث بسیاری بر حرمت شکار در حال احرام دلالت می‌کنند و حتی برخی، ادعای اجماع در این حرمت کرده‌اند. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۲۸۶)^۱
به نظر می‌آید که این حرمت، بیشتر برای رعایت حال احرام است؛ اما با بیان اندکی از فلسفه تحریم صید در حال احرام، پی به اهمیت حقوق حیوانات نزد شارع مقدس می‌بریم.

آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌گوید:

در فلسفه تحریم صید در حال احرام آمده است که در مراسم حج و عمره، انسان به یک نوع ریاضت مشروع الهی دست می‌زند و به نظر می‌رسد که تحریم صید در حال احرام، به همین منظور است. از این گذشته، با توجه به این، اگر صید کردن برای زوار خانه خدا کار مشروعی بود، این همه رفت‌وآمدی که هر سال به این سرزمین‌های مقدس می‌شود، نسل بسیاری از حیوانات در آن منطقه - که به حکم خشکی و کم آبی، حیواناتش نیز کم است - برچیده می‌شد و این دستور، نوعی حفاظت و ضمانت برای بقای نسل حیوانات آن منطقه است. مخصوصاً با توجه به اینکه در غیر حال احرام نیز صید حرام و همچنین کندن درختان و گیاهان آنجا ممنوع است، روشن می‌شود که این دستور، ارتباط نزدیکی با مسئله حفظ محیط‌زیست و نگهداری گیاهان و حیوانات آن منطقه از نابودی و فنا دارد. این حکم، به قدری دقیق تشریح شده که حتی کمک کردن و نشان دادن و ارائه صید به صیاد نیز تحریم گردیده است. (مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۸۸)

۱. قال صاحب الجواهر: «بلا خلاف اجده فی شیء من ذلک بیننا بل الاجماع».

نتیجه

پس از اثبات حق حیات برای حیوانات با استناد به آیات و روایات، بیان شد که برای ذبح و شکار - که حیات حیوان را از بین می‌برد - مجوز شرعی وجود دارد و نه تنها این مجوز شرعی نقض حقوق حیوانات نیست، بلکه قانونی است که در عین سازگاری با طبیعت و نیازهای بشری، نوعی کمال شمرده شدن برای حیوان، توأم با دستورهایی از طرف شارع است و شرع به بهترین نحو، از حقوق حیوانات حمایت می‌کند. البته اصل استفاده از حیوان، فقط در صورت رعایت شرایط خاص ذبح و شکار میسر است؛ و پس از بیان کلام فقیهان که مستند به روایات متعدد و صحیح‌السند متواتر بود، توصیه‌ها و دستورهای متعددی در باب ذبح و شکار و صید اثبات شد که همگی مؤید حقوق حیوانات‌اند.

فهرست منابع

* قرآن كريم.

۱. ابن بابويه قمی، ابوجعفر محمد بن علی (شيخ صدوق)، الهدایة، قم، مؤسسه الامام الهادی، ۱۴۱۸ق.
۲. _____، من لا يحضره الفقيه، ترجمه سيدصدرالدين بلاغی، دار الكتب الاسلامية، ۱۳۸۸.
۳. اصفهانی، محمد بن حسن ملقب به فاضل هندی، كشف اللثام عن قواعد الاحكام، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه، ۱۳۸۲.
۴. انصاری، مرتضی، المكاسب، ج ۴، قم، جامعه النجف الدينیه، ۱۳۹۲ق.
۵. آخوند خراسانی، محمد کاظم، درر الفوائد في الحاشية على الفرائد (حاشیه آخوند)، تهران، مؤسسه الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۶. العبري، ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۱۰ق.
۷. بیهقی، ابی بكر احمد بن الحسين بن علی، السنن الكبرى، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق.
۸. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵ق.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمة عمومي علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج دوم، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۱۱. حلبی، عزالدین حمزة بن علی بن زهرة، غنية النزوع في علمي الاصول والفروع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
۱۲. حلّی، ابن ادریس، السراير، ج ۲، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۱۰ق.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف، قواعد الاحكام، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۱۴. حلّی، نجم الدین جعفر بن الحسن، شرايع الاسلام، ج ۳، چاپ سوم، قم، اسماعلیان، ۱۴۰۹ق.
۱۵. حلّی، یحیی بن السعيد، الجامع للشرايع، قم، مؤسسه سيدالشهدا، ۱۴۰۵ق.
۱۶. خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، مشهد، هاتف، ۱۳۸۱.
۱۷. خوئی، سيد ابوالقاسم، مصباح الفقاهة في المعاملات، چاپ دوم، قم، سيدالشهداء، ۱۳۷۸ق.
۱۸. رشید رضا، محمد، تفسير المنار، چاپ دوم، قاهره، ۱۳۶۶ق.
۱۹. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۲۰. طباطبائی، محمد حسین، الميزان في تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶.
۲۱. _____، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت، دار الكتاب، ۱۳۹۰ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۴، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۸۴.
۲۳. طوسی، ابن حمزه، الوسيلة الي نيل الفضيلة، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۵.

۲۴. طوسی، محمدبن حسن، **التبيان في تفسير القرآن**، تهران، ذوی القربی، ۱۳۸۸.
۲۵. _____، **تذكرة الفقهاء**، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۶. عاملی، زين الدين بن علي بن احمد (الشهيد الثاني)، **مسالك الافهام في شرح شرايع الاسلام**، قم، بنياد معارف اسلامي، ۱۳۸۳.
۲۷. _____، **الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية**، ج ۱، ج دوم، قم، دار التفسير، ۱۳۸۱.
۲۸. کاتوزيان، ناصر، **المبسوط في فقه الامامية**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۹۰.
۲۹. _____، **مباني حقوق عمومي**، تهران، ميزان، ۱۳۸۷.
۳۰. _____، **مقدمة علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
۳۱. کليني، محمدبن يعقوب، **كافي**، چاپ سوم، تهران، دار الكتب الاسلامية، ۱۳۸۸ق.
۳۲. متقی هندی، علاء الدين علي بن حسام، **كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال**، چاپ دوم، بيروت، انتشارات مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۳۳. مجلسي، محمدباقر، **بحار الانوار**، بيروت، مؤسسة وفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۴. معلوف، لوييس، **المنجد في اللغة**، احمد سياح، ج ۱، چاپ دوم، تهران، اسلام، ۱۳۷۸.
۳۵. مکی عاملی، محمدبن جمال الدين (شهيد اول)، **الدروس الشرعية في فقه الامامية**، قم، انتشارات مؤسسة نشر اسلامي، ۱۴۱۲ق.
۳۶. ناينی، محمدحسين، **منية الطالب في شرح المكاسب**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۵.
۳۷. نجفی، محمدحسن، **جواهر الكلام في شرح الشرايع الاسلام**، قم، کتاب فروشی الاسلاميه، ۱۳۸۶.
۳۸. وجدی، محمد فريد، **دائرة المعارف**، قاهرة، دار المعرفة، ۱۹۷۱م.
۳۹. يزدي طباطبائي، سيد محمد كاظم، **حاشية مكاسب**، قم، اسماعيليان، ۱۳۷۸.